

Psychometrics Properties of the Epistemic Trust, Mistrust and Credulity Questionnaire (ETMCQ) in Iranian Society

Mostafa Amini, Mohammad Ali Mazaheri^{2*}, Abbas Zabihzadeh³, Omid Shokri⁴ & Chloe Campbell⁵

1. M.A in Clinical Psychology, Department of Clinical and Health Psychology, Faculty of Education and Psychology, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran. Email: mostafa.amini@live.com
2. Professor of Psychology at the Department of Clinical and Health Psychology, Faculty of Education and Psychology, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran. Email: mazaheri45@gmail.com
3. Assistant professor, Department of Social and Cultural Psychology, Faculty of Education and Psychology, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran. Email: zabihzadeh.a@gmail.com
4. Assistant Professor, Department of Developmental Educational Psychology, Faculty of Education and Psychology, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran. Email: oshokri@yahoo.com
5. Associate professor, Research Department of Clinical, Educational and Health Psychology, Faculty of Brain Sciences, University College London, London, United Kingdom. Email: c.campbell@ucl.ac.uk

Abstract

Aim: The purpose of this research was to investigate factor structure, validity, and reliability of the Epistemic Trust, Mistrust, and Credulity Questionnaire (ETMCQ) in Iranian Society.

Method: The research method was in terms of purpose, applied and the data collection method was descriptive correlational. The statistical population included all Iranian females and males above 18 years old in the year 2022. After translating and obtaining the face validity and the content validity of the questionnaire by experts, 690 adults were selected using convenience sampling and answered the Persian version of the ETMCQ. The factor validity of the ETMCQ, by confirmatory and exploratory analysis methods, and internal consistency by Cronbach's alpha were obtained. Also, to investigate the convergent and divergent validity, The Experiences in Close Relationships questionnaire (ECR), The Mentalization Scale (MentS), The Inventory of Personality Organization (IPO), and the Childhood Trauma Questionnaire (CTQ) were used.

Results: The results showed that the three-factor structure of the questionnaire in the Iranian sample had a good fit with the data. Internal consistency for the epistemic trust, epistemic mistrust, and epistemic credulity was 0/66, 0/56, and 0/79, respectively. Also, the construct validity, the convergent validity, and the divergent validity of the instrument were confirmed.

Conclusion: The findings of the current research confirmed the psychometric characteristics of the Epistemic Trust, Mistrust, and Credulity Questionnaire. Therefore, this questionnaire can be considered a suitable instrument for measuring the epistemic stances of adults in various research fields.

Key words: *Epistemic Trust, Epistemic Mistrust, Epistemic Credulity, Psychometric Properties*

ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه اعتماد، بی‌اعتمادی و ساده‌لوحی معرفتی (ETMCQ) در جامعه ایرانی

مصطفی امینی^۱، محمدعلی مظاهری^۲، عباس ذبیح‌زاده^۳، امید شکری^۴، کلویی کمپبل^۵

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر، بررسی ساختار عاملی، روایی و پایایی پرسشنامه اعتماد، بی‌اعتمادی و ساده‌لوحی معرفتی (ETMCQ) در جامعه ایرانی بود.

روش: پژوهش حاضر، به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان و مردان ایرانی بالای ۱۸ سال در سال ۱۴۰۱ تشکیل می‌دادند. پس از ترجمه و تأیید روایی صوری و محتوایی پرسشنامه توسط اهل فن، ۶۹۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده و به نسخه فارسی پرسشنامه اعتماد، بی‌اعتمادی و ساده‌لوحی معرفتی پاسخ دادند. روایی عاملی این مقیاس با روش تحلیل عاملی اکتشافی و همسانی درونی آن بر اساس ضریب آلفای کرونباخ به دست آمد. برای بررسی روایی هم‌گرا و واگرا نیز از پرسشنامه تجارب روابط نزدیک (ECR)، مقیاس ذهنی‌سازی (MentS)، سیاهه سازمان شخصیت (IPO) و پرسشنامه ترومای کودکی (CTQ) استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج، حاکی از برازش مطلوب مدل سه عاملی پرسشنامه در نمونه ایرانی بود. مقادیر ضرایب همسانی درونی برای خرده‌مقیاس‌های اعتماد معرفتی، بی‌اعتمادی معرفتی و ساده‌لوحی معرفتی به ترتیب برابر با ۰/۶۶، ۰/۵۶ و ۰/۷۹ محاسبه شد. همچنین، روایی ملاکی، هم‌گرا و واگرای ابزار نیز مورد تأیید قرار گرفت.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش حاضر، نشان‌دهنده ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوب نسخه فارسی پرسشنامه اعتماد، بی‌اعتمادی و ساده‌لوحی معرفتی بود. لذا پرسشنامه فوق را می‌توان ابزاری مناسب برای سنجش موضع معرفتی بزرگسالان در زمینه‌های تحقیقاتی مختلف به حساب آورد.

کلیدواژه‌ها: اعتماد معرفتی، بی‌اعتمادی معرفتی، ساده‌لوحی معرفتی، ویژگی‌های روان‌سنجی

^۱ کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، گروه روان‌شناسی بالینی و سلامت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: mostafa.amini@live.com

^۲ استاد روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی بالینی و سلامت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: a.mazaheri45@gmail.com

^۳ استادیار روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: a.zabihzadeh@gmail.com

^۴ استادیار روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی تربیتی تحولی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: oshokri@yahoo.com

^۵ دانشیار روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی بالینی، تربیتی و سلامت، دانشکده علوم مغز، کالج دانشگاهی لندن، انگلستان. ایمیل: c.campbell@ucl.ac.uk

مقدمه

اعتماد معرفتی، ماهیتاً یک مفهوم فلسفی و معرفت‌شناختی است (مک‌کرو، ۲۰۱۵) که در سال‌های اخیر به دلیل تلویحات اجتماعی و فرهنگی گسترده‌اش، علاقه‌ی زیادی را در میان جامعه‌شناسان و متخصصان شاخه‌های مختلف روان‌شناسی از جمله روان‌شناسان اجتماعی، تربیتی، تحولی و بالینی، برانگیخته است (لیوتی و همکاران، ۲۰۲۳). این سازه به معنی تمایل فرد به در نظر گرفتن دانش و اطلاعات به دست آمده از سوی دیگران به عنوان اطلاعاتی مطمئن، مرتبط با خود و قابل تعمیم به سایر زمینه‌ها است (فوناگی و آلیسون، ۲۰۱۴). در واقع، اعتماد معرفتی به نوع خاصی از اعتماد، اشاره دارد که باعث می‌شود افراد برای دانش دیگران، ارزش قائل شوند و فرصت یادگیری از تجربیات و اطلاعات تازه را از خود، دریغ نورزند. این تأکید ویژه بر یادگیری، بیش از آن که ناظر به محتوای آموخته شده باشد، به فرایند دریافت و درونی‌سازی دانش اجتماعی و ادغام آن در زندگی شخصی، اشاره دارد (باترز، ۲۰۱۶). در اینجا مقصود از «دانش» هر چیزی است که درک آن برای زندگی سازگارانه‌ی انسان، ضروری باشد. چنین دانشی می‌تواند به انواع مهارت‌ها، نمادها، معانی، ارزش‌ها، رفتارها و شیوه‌های استفاده از منابع اجتماعی، اطلاق گردد (سیبرا و گرگلی، ۲۰۰۹). جوامع گوناگون، علی‌رغم تفاوت‌های گسترده در آداب و رسوم فرهنگی، برای انتقال بین‌فردی و بین‌نسلی چنین اطلاعاتی، به ارتباطات، متکی هستند. دقیقاً در همین جاست که کارکرد حیاتی اعتماد معرفتی به چشم می‌آید؛ زیرا اعتماد معرفتی با گشودن مسیری که از آن به عنوان «شاهراه معرفتی» یاد می‌شود، زمینه‌ی تبادل اطلاعات میان فرد و محیط پیرامونش را فراهم می‌کند (فوناگی و آلیسون، ۲۰۱۴).

از سوی دیگر، مشخص است که پذیرش بی‌چون و چرای اطلاعات، ما را در معرض خطر اطلاعات گمراه‌کننده قرار می‌دهد. لذا فرایند تکامل، به موازات اعتماد معرفتی، مکانیزم دیگری به نام «احتیاط معرفتی» را نیز در انسان پدید آورده تا از او در برابر خطرات بالقوه‌ی محیطی، محافظت نماید. این اصطلاح به معنی شک و سوءظن فرد در مورد اطلاعاتی است که از سوی دیگران، دریافت کرده و ممکن است آسیب‌رسان، فریبنده و یا نادرست باشند (اسپربر و همکاران، ۲۰۱۰).

^۱knowledge

^۲information

^۳epistemic vigilance

به‌حسب این توصیف، عموم افراد بهنجار، کمابیش در نقطه‌ی تعادل اعتماد معرفتی و احتیاط معرفتی قرار می‌گیرند. برهم‌خوردن این تعادل به دو شکل، قابل‌تصور است: نخست آن‌که ممکن است فردی بسیار زودباور باشد و به راحتی مورد اغفال قرار بگیرد؛ دوم آن‌که ممکن است بیش از اندازه محتاط و گوش‌به‌زنگ باشد و از ارتباط نزدیک با دیگران، خودداری نماید (اسپربر و همکاران، ۲۰۱۰). حالت اول، «ساده‌لوحی معرفتی» و حالت دوم «بی‌اعتمادی معرفتی» نامیده می‌شود که در کنار اعتماد معرفتی، سه مؤلفه‌ی ناهمسان از مواضع معرفتی را تشکیل می‌دهند (کمپیل و همکاران، ۲۰۲۱).

مفهوم اعتماد معرفتی، ابتدا توسط نظریه‌پردازان رویکرد ذهنی‌سازی^۲ به پژوهش‌های روان‌شناختی، راه یافت؛ زیرا اعتماد معرفتی به‌لحاظ مبانی نظری، ارتباط وثیقی با روابط دلبستگی‌محور اولیه و ظرفیت ذهنی‌سازی دارد (فوناگی و آلیسون، ۲۰۱۴). در همین راستا پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شاهره معرفتی در کودکانی که دچار اختلالات دلبستگی و ذهنی‌سازی هستند، کارایی کمتری دارد؛ چرا که ناملايمات رشدی به‌ویژه تروماهای ارتباطی، باعث کاهش ظرفیت ذهنی و تخریب عمیق اعتماد می‌گردد (آلن، ۲۰۱۸). این وضعیت ممکن است تا بزرگسالی نیز ادامه پیدا کند و حالاتی همچون بلا تکلیفی، عدم اطمینان و یا احتیاط معرفتی بیش از حد^۳ را به وجود آورد (فوناگی و آلیسون، ۲۰۱۴).

از این‌رو، در سال‌های اخیر، برخی از بالینگران، نقش اعتماد معرفتی را فراتر از فرایندهای اجتماعی-شناختی، در شکل‌گیری و درمان انواع اختلالات روانی، جست‌وجو می‌کنند. این موضوع به‌ویژه در حوزه‌ی اختلالات شخصیت مورد توجه قرار گرفته است (فوناگی، لویتن و آلیسون، ۲۰۱۵؛ اورمه و همکاران، ۲۰۱۹؛ توماس و جنکینز، ۲۰۱۹) زیرا اعتقاد بر این است که اختلالات پایدار شخصیت، بیش از هرچیز، آشفتگی روابط فرد با دنیای اجتماعی را به نمایش می‌گذارند (هاپوود، رایت و بلیدورن، ۲۰۲۲).

تحقیقات جدید، دامنه بحث از اعتماد معرفتی را به حوزه‌های بالینی دیگری همچون اختلال افسردگی عمده (ویکهام، ۲۰۱۹)، اختلال استرس پس از تروما^۴، اختلال پیچیده‌ی استرس پس

^۱epistemic stances

^۲mentalization

^۳epistemic hypervigilance

^۴posttraumatic stress disorder (PTSD)

از تروما^۱ (کامپلینگ و همکاران، ۲۰۲۲)، و اختلال سلوک^۲ (تالیا و همکاران، ۲۰۲۱) گسترش داده‌اند. به همین دلیل، فوناگی و همکاران (۲۰۱۷؛ ۲۰۱۹) نقایص اعتماد معرفتی را یک عامل عمومی و مشترک در انواع آسیب‌های روانی، قلمداد می‌کنند.

علی‌رغم این اهمیت روزافزون، فقدان ابزارهای تجربی معتبر، تحقیق در زمینه‌ی اعتماد معرفتی را با چالش اعتبار سازه^۳ مواجه کرده است. اگرچه پارادایم‌های آزمایشی جالبی برای سنجش این مفهوم در رده‌های سنی مختلف، طراحی شده (کوریوو و همکاران، ۲۰۰۹؛ ایگید، کیرالی و گرگلی، ۲۰۱۳؛ شرودر-فایفر و همکاران، ۲۰۱۸؛ ۲۰۲۲) اما این روش‌ها عمدتاً متکی به پروتکل‌های پرهزینه و زمان‌بر هستند و اجرای آن‌ها در شرایط مختلف، میسر نمی‌باشد. از این‌رو، جای خالی ابزارهای مقرون به صرفه برای سنجش اعتماد معرفتی بزرگسالان تا مدت‌ها احساس می‌شد.

اخیراً محققان کالج دانشگاهی لندن کوشیده‌اند تا خلأ موجود در این زمینه را مرتفع ساخته و یک الگوی تجربی هماهنگ با مبانی نظری اعتماد معرفتی را در اختیار پژوهشگران، قرار دهند (کمپبل و همکاران، ۲۰۲۱). این پرسشنامه کوتاه، ۱۵ سؤال دارد و مواد آن بر مبنای نظریه‌ی ارتباط^۴ اسپربر و ویلسون (۱۹۹۵)، دیدگاه تعلیم و تربیت طبیعی^۵ سیبرا و گرگلی (۲۰۰۹) و مفهوم‌پردازی فوناگی و آلیسون (۲۰۱۴) در خصوص اعتماد معرفتی، طراحی شده است. سه خرده‌مقیاس این پرسشنامه که هر کدام در ۵ گویه مورد ارزیابی قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: اعتماد معرفتی، بی‌اعتمادی معرفتی و ساده‌لوحی معرفتی.

نتایج تحلیل‌های اکتشافی و تأییدی کمپبل و همکاران (۲۰۲۱) در دو مطالعه‌ی مستقل، از ساختار سه عاملی این پرسشنامه، حمایت کرده و روایی و پایایی آن را مورد تأیید قرار داده است. در مطالعه‌ی اول، آلفای کرونباخ همسانی درونی برای کلّ مقیاس ۰/۷۸، خرده‌مقیاس اعتماد ۰/۷۶، خرده‌مقیاس بی‌اعتمادی ۰/۷۱ و خرده‌مقیاس ساده‌لوحی ۰/۸۱، گزارش شده است.

^۱complex posttraumatic stress disorder (c-PTSD)

^۲conduct disorder

^۳construct validity

^۴relevance theory

^۵natural pedagogy

پایایی آزمون-بازآزمون نیز با فاصله‌ی سه هفته بر اساس ضریب همبستگی اسپیرمن برای اعتماد، بی‌اعتمادی و ساده‌لوحی، به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۱ و ۰/۷۰ به دست آمده است. اندازه‌های محاسبه‌شده در مطالعه‌ی دوم نیز کمابیش مشابه یافته‌های مطالعه‌ی اول بوده‌اند. همچنین، در هردو مطالعه، مطابق با انتظار، ارتباط معنی‌داری میان بی‌اعتمادی و ساده‌لوحی معرفتی با سطوح شدید نامایمات رشدی، دلبستگی ناایمن، ظرفیت اندک ذهنی‌سازی و علائم اختلالات روانی، یافت شد. به‌علاوه، مشخص شد که این دو موضع معرفتی، تا حدودی رابطه‌ی بین ترومای دوران کودکی و آسیب‌های روانی در بزرگسالی را میانجی‌گری می‌کنند.

با وجود این که نظریه‌ی اعتماد معرفتی، نویدبخش افق‌های تازه در فهم ما از مسائل بنیادین روان‌شناختی است، تاکنون هیچ اثر مکتوبی در ایران به آن نپرداخته و ابزار سنجش آن نیز در نمونه‌ی ایرانی، مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی روایی، پایایی و ساختار عاملی ETMCQ در نمونه‌ی ایرانی بود.

روش

این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ شیوه‌ی گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه‌ی آماری پژوهش را کلیه‌ی زنان و مردان بالای ۱۸ سال ایرانی در سال ۱۴۰۱ تشکیل می‌دادند. با در نظر گرفتن میانگین نمونه در دو مطالعه‌ی تجربی صورت‌گرفته توسط طراحان اصلی نظریه‌ی اعتماد معرفتی (کمپبل و همکاران، ۲۰۲۱) حجم نمونه را ۶۵۰ نفر در نظر گرفتیم تا از بروز مشکل در صورت ریزش‌های احتمالی، جلوگیری شود. با توجه به شیوع بیماری کرونا، تهیه و توزیع پرسشنامه‌ها در سامانه‌ی الکترونیکی پرس‌لاین صورت گرفت. ملاک‌های ورود این پژوهش، سن بالای ۱۸ سال و توانایی کار با پرسشنامه‌ی اینترنتی، و ملاک‌های خروج نیز عدم رضایت برای شرکت در پژوهش یا عدم پاسخگویی به تمامی سؤالات بوده است. در مجموع، ۱۸۶۵ نفر از صفحه‌ی پرسشنامه، بازدید کردند که از این تعداد، ۶۹۰ نفر پرسشنامه را به پایان رسانده و به تمامی گویه‌ها پاسخ دادند.

ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان. نمونه‌ی مورد مطالعه، متشکل از ۵۱۸ زن (۷۵ درصد) و ۱۷۲ مرد (۲۵ درصد) با میانگین سنی ۳۲/۲۳ سال، میان‌ه‌ی ۲۹ سال، نمای ۲۵ سال، انحراف استاندارد ۱۰/۳۷ سال و به ترتیب کمینه و بیشینه‌ی ۱۸ و ۷۰ سال بود. ۳۴۰ نفر متأهل (۴۹/۴ درصد)، ۲۶۳ نفر مجرد و بدون رابطه‌ی عاطفی خاص (۳۸/۲ درصد)، ۶۱ نفر مجرد

و دارای رابطه‌ی عاطفی خاص (۸/۸ درصد)، ۱۹ نفر جدا شده (۲/۷ درصد) و ۵ نفر (۰/۷ درصد) نیز همسرشان فوت شده بود. ۱۷ نفر از شرکت‌کنندگان، تحصیلات زیر دیپلم (۲/۴ درصد)، ۸۸ نفر دیپلم (۱۲/۷ درصد)، ۲۹۶ نفر کارشناسی (۴۲/۸ درصد)، ۲۲۴ نفر کارشناسی ارشد (۳۲/۴ درصد) و ۳۸ نفر دکتری و بالاتر داشتند (۵/۵ درصد). در زمان پاسخگویی به سؤالات، ۲۷۶ نفر (۴۰ درصد) از شرکت‌کنندگان دانشجوی و ۴۱۴ نفر (۶۰ درصد) غیردانشجو بودند. همچنین ۳۳۹ نفر شاغل (۴۹/۲ درصد) و ۳۴۹ نفر غیرشاغل (۵۰/۷ درصد) بودند.

ابزار

۱. **مقیاس اعتماد، بی‌اعتمادی و ساده‌لوحی معرفتی (ETMCQ):** این مقیاس متشکل از ۱۵ ماده است و سه خرده‌مقیاس اعتماد، بی‌اعتمادی و ساده‌لوحی معرفتی را بر اساس طیف ۷ درجه‌ای لیکرت از عدد ۱ به معنی «کاملاً مخالف» تا عدد ۷ به معنی «کاملاً موافق» اندازه‌گیری می‌کند. ساختار عاملی ETMCQ در جمعیت عمومی مورد بررسی قرار گرفته و آلفای کرونباخ همسانی درونی برای کل مقیاس ۰/۷۸ و خرده‌مقیاس‌های اعتماد، بی‌اعتمادی و ساده‌لوحی معرفتی به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۱ و ۰/۸۱ گزارش شده است. پایایی آزمون-بازآزمون نیز با فاصله‌ی سه هفته بر اساس ضریب همبستگی اسپیرمن به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۱ و ۰/۷۰ به دست آمده است (کمپیل و همکاران، ۲۰۲۱).

۲. **مقیاس تجارب مربوط به روابط نزدیک (ECR):** این مقیاس که توسط برنان، کلارک و شیور (۱۹۹۸) طراحی شده، دارای ۳۶ عبارت است و سطوح دل‌بستگی بزرگسالان را در دو بُعد اجتناب و اضطراب، مورد سنجش قرار می‌دهد. نمره‌گذاری آن مانند مقیاس قبلی بر اساس طیف لیکرت ۷ درجه‌ای انجام می‌شود. بر اساس پژوهش بوتوناری و همکاران (۲۰۰۷) آلفای کرونباخ این ابزار برای خرده‌مقیاس اجتناب ۰/۹۴ و برای خرده‌مقیاس اضطراب ۰/۹۱ به دست آمده است. در ایران، پایایی و روایی و ساختار عاملی ECR توسط پناغی و همکاران (۱۳۹۲) مورد بررسی قرار گرفته و آلفای کرونباخ کل مقیاس و خرده‌مقیاس‌های اجتناب و اضطراب به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۰ و ۰/۸۹ گزارش شده است.

^۱Epistemic Trust, Mistrust and Credulity Questionnaire (ETMCQ)

^۲Experiences in Close Relationship Scale (ECR)

۳. **مقیاس ذهنی‌سازی (MentS)!** این پرسشنامه خودگزارش‌دهی که توسط دیمیتریویچ و همکاران در سال ۲۰۱۸ ساخته شده، شامل ۲۸ گویه است و از سه خرده‌مقیاس ذهنی‌سازی معطوف به خود، ذهنی‌سازی معطوف به دیگری و انگیزه‌ی ذهنی‌سازی، تشکیل یافته. نمره‌گذاری آن بر مبنای طیف لیکرت ۵ درجه‌ای است که برای برخی از سؤالات به صورت معکوس، انجام می‌شود. روان‌سنجی مقیاس بر روی نمونه عمومی خارجی، گویای آلفای کرونباخ ۰/۸۴ برای کل مقیاس و آلفای ۰/۷۶ تا ۰/۷۷ برای خرده‌مقیاس‌ها بوده است. در بررسی‌های صورت گرفته بر روی نمونه ایرانی نیز آلفای کرونباخ برای نمری کل و سه مؤلفه‌ی این مقیاس بین ۰/۷۳ تا ۰/۸۶ گزارش شده است (صفری موسوی، صادقی و سپهوندی، ۱۳۹۹).

۴. **سیاهه سازمان شخصیت (IPO):** این سیاهه بر اساس نظریه‌ی بالینی اتو کرنبرگ طراحی شده و به ارزیابی سه بُعد اصلی سازمان شخصیت یعنی دفاع‌های روان‌شناختی بدوی، پراکندگی هویت و واقعیت‌آزمایی می‌پردازد (کرنبرگ و کلارکین، ۱۹۹۵). ضریب همسانی درونی برای خرده‌مقیاس دفاع‌های بدوی بین ۰/۸۰ تا ۰/۸۷، پراکندگی هویت بین ۰/۸۵ تا ۰/۸۷ و واقعیت‌آزمایی بین ۰/۸۰ تا ۰/۸۷ گزارش شده است (لنزوگر و همکاران، ۲۰۰۱). در پژوهش آل بهبهانی و محمدی (۱۳۸۶) روایی و پایایی این پرسشنامه در یک نمونه ایرانی، بررسی شده که همسانی درونی کل سیاهه و خرده‌مقیاس‌های دفاع‌های روان‌شناختی بدوی، پراکندگی هویت و آزمون‌گری واقعیت، به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۲، ۰/۶۸ و ۰/۹۱ به دست آمده است.

۴. **پرسشنامه ترومای کودکی (CTQ):** فرم کوتاه این پرسشنامه در ۲۸ سؤال توسط برنشتاین و همکاران (۲۰۰۳) به منظور سنجش آسیب‌های تجربه‌شده در دوران کودکی تدوین شده است. این ابزار ۵ خرده‌مقیاس دارد که عبارت‌اند از: سوءاستفاده‌ی عاطفی، سوءاستفاده‌ی جسمی، سوءاستفاده‌ی جنسی، غفلت عاطفی و غفلت جسمی. ۲۵ سؤال برای سنجش مؤلفه‌های مذکور و ۳ سؤال برای تشخیص افرادی که مشکلات دوران کودکی خود را انکار می‌کنند، به کار می‌رود. نمره‌گذاری نیز بر مبنای طیف لیکرت ۵ درجه‌ای است که در برخی از سؤال‌ها به صورت معکوس، اجرا می‌شود. اعتبار عوامل مختلف این پرسشنامه با دو روش بازآزمایی و آلفای کرونباخ

^۱Mentalization Scale (MentS)

^۲Inventory of Personality Organization (IPO)

^۳Childhood Trauma Questionnaire (CTQ)

بین ۰/۷۸ تا ۰/۹۵ گزارش شده است. در ایران نیز ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در پژوهش ابراهیمی، دژکام و ثقه‌الاسلام (۱۳۹۲) برای این پرسشنامه بین ۰/۸۱ تا ۰/۹۷ برآورد شد.

شیوه‌ی اجرا

با توجه به این‌که نسخه اصلی ETMCQ به زبان انگلیسی و با استفاده از نمونه انگلیسی زبان طراحی شده، پیش از جمع‌آوری داده‌ها فرایند ترجمه، بازترجمه و سنجش هم‌ارزی مفهومی مقیاس‌ها طی گردید تا از انطباق بین فرهنگی ابزار، اطمینان حاصل شود. به این منظور، ابتدا پرسشنامه با مشورت دو مترجم متخصص، از انگلیسی به فارسی ترجمه شد. سپس از یک روان‌شناس دیگر که به هر دو زبان فارسی و انگلیسی تسلط داشت و تحصیلات دانشگاهی خود را در یک کشور انگلیسی‌زبان گذرانده بود، درخواست شد تا بدون دیدن نسخه اصلی پرسشنامه، نسخه ترجمه شده به زبان فارسی را مجدداً به زبان انگلیسی برگرداند. در مرحله بعد، هر دو نسخه انگلیسی جهت مقایسه و برطرف کردن مشکلات احتمالی، در اختیار ۳ تن از اساتید روان‌شناسی قرار گرفت و نکات و اصلاحات مدنظر آنها در ترجمه‌ی گویه‌ها اعمال گردید. نهایتاً نسخه بازترجمه برای طراحان اصلی ابزار، ارسال شد و مورد تأیید قرار گرفت. سپس، از ۱۰ آزمودنی درخواست شد تا پرسشنامه را به صورت آزمایشی، اجرا کنند. پس از طی این مراحل و کسب اطمینان کامل از صحت و دقت ترجمه، نسخه نهایی پرسشنامه فارسی بر روی نمونه ۶۹۰ نفره‌ی پژوهش، اجرا گردید. فرم پرسشنامه همراه با توضیحات لازم در مورد پژوهش و اطمینان‌بخشی بابت محرمانگی اطلاعات آزمودنی‌ها، در صفحات، کانال‌ها و گروه‌های مجازی دانشجویی، ارسال گردید و از مخاطبان درخواست شد تا در صورت تمایل، لینک مربوطه را برای سایر دوستان و آشنایان بزرگسال خود نیز ارسال نمایند.

شیوه‌ی تحلیل داده‌ها

در این مطالعه، داده‌ها با استفاده از بسته‌های آماری SPSS-18 و AMOS-20 تجزیه و تحلیل شدند. برای تعیین اعتبار و روایی مقیاس، از روش تحلیل عاملی تأییدی و سنجش روایی همگرا و اگر استفاده شد. همسانی درونی مقیاس نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته‌ها

پس از گردآوری داده‌ها و قبل از تحلیل و واریسی تأییدی آن‌ها، پیش‌فرض‌های بهنجاری^۱ و هم‌خطی چندگانه^۲ و همچنین داده‌های غیرعادی (دور افتاده)^۳ مورد آزمون قرار گرفتند. در این پژوهش، موافق با پیشنهاد تاباچنیک و فیدل (۲۰۰۷) داده‌های غیرعادی تک‌متغیری، از طریق نمرات استاندارد Z در بسته‌ی آماری SPSS، چک شدند ($Z = \pm 3/29, p < 0/001$). نتایج، نشان داد که هیچ داده‌ی دورافتاده یا غیرعادی در محدوده‌ی داده‌های پیش‌بینی‌شده وجود نداشت. جدول ۱، اندازه‌های توصیفی میانگین، انحراف استاندارد و آماره‌های چولگی^۴ و کشیدگی^۵ را برای ماده‌های ابزار سنجش اعتماد، بی‌اعتمادی و ساده‌لوحی معرفتی (ETMCQ) نشان می‌دهد. انحراف استاندارد ماده‌های مقیاس در بازه‌ی ۱/۰۹ تا ۲/۰۱ به دست آمدند. نتایج مربوط به آماره‌های چولگی ($|1/59| <$) و کشیدگی ($|1/97| <$) نشان داد که هیچ‌یک از ماده‌های پرسشنامه، از نقاط برش پیشنهادی برای آماره‌های چولگی برابر با ۳| و کشیدگی برابر با ۸| بیشتر نبودند. بنابراین، همسو با منطق پیشنهادی کلاین (۱۹۹۸) مفروضه‌ی بهنجاری تک‌متغیری برای هر یک از ماده‌های ETMCQ، رعایت شده است. علاوه بر این، در این پژوهش، به منظور آزمون مفروضه‌ی هم‌خطی چندگانه، از آماره‌های تحمل^۶ و عامل تورم واریانس^۷ استفاده شد. از آنجا که همسو با پیشنهاد هایر و همکاران (۲۰۱۰) تمامی مقادیر مربوط به آماره‌ی تحمل، بزرگ‌تر از ۰/۱۰ و همه‌ی مقادیر آماره‌ی VIF نیز کوچک‌تر از ۳ بودند، بنابراین، مفروضه‌ی عدم هم‌خطی رعایت شد.

جدول ۱. اندازه‌های توصیفی ماده‌ها در پرسشنامه ETMCQ

ماده‌ها	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
normality				
multicollinearity				
outliers				
skewness				
kurtosis				
tolerance				
variance inflation factor				

۰/۰۲-	۰/۹۸-	۱/۶۷	۵/۰۴	۱
۱/۸۹	۱/۵۹-	۱/۱۹	۵/۷۱	۲
۱/۰۱-	۰/۳۷-	۱/۷۳	۴/۶۱	۳
۰/۹۷-	۰/۲۳-	۱/۶۹	۴/۳۶	۴
۱/۲۱-	۰/۳۷	۲/۰۱	۳/۴۱	۵
۰/۸۹-	۰/۶۱	۱/۸۵	۳/۰۶	۶
۱/۸۷	۱/۲۳-	۱/۲۲	۵/۴۷	۷
۱/۸۰	۱/۵۱-	۱/۰۹	۵/۸۹	۸
۱/۸۳	۱/۲۸-	۱/۲۳	۵/۷۵	۹
۰/۹۱-	۰/۳۶	۱/۶۹	۳/۴۷	۱۰
۱/۲۰-	۰/۱۸	۱/۷۸	۳/۵۸	۱۱
۱/۰۴-	۰/۴۳	۱/۸۹	۳/۳۱	۱۲
۱/۹۷	۱/۵۹-	۱/۲۳	۵/۸۲	۱۳
۰/۸۱	۰/۵۴	۱/۶۷	۳/۲۰	۱۴
۱/۲۶-	۰/۰۷-	۱/۹۲	۴/۰۱	۱۵

تحلیل عاملی تأییدی

در این بخش، برای تأیید ماهیت چندبُعدی ابزار سنجش، از مدل‌یابی معادله‌ی ساختاری به کمک تحلیل عاملی تأییدی، استفاده شد. به منظور آزمون فرضیه‌ی مربوط به بارهای عاملی عامل‌ها و همبستگی‌های بین‌عاملی، در تحلیل عاملی تأییدی از روش برآورد بیشینه‌ی درست‌نمایی^۱ استفاده شد. همچنین به جهت ارزیابی برازندگی مدل، مدل استقلال^۲ با مدل مفروض، مقایسه گردید. نتایج، نشان داد که اندازه‌های نیکویی برازش برای مدل استقلال، که در آن فرض می‌شود همه‌ی متغیرها ناهمبسته‌اند، بر برازندگی ضعیف مدل مزبور یا داده‌ها، دلالت دارد ($\chi^2/df = 20/15$ ، $p < 0/001$ ، $\chi^2(105, N=690) = 2116/004$). آماردانان تأکید می‌کنند که مقدار ترجیحی^۳ آماره‌ی χ^2 باید کوچک و میزان احتمال مربوط به آن از سطح معنی‌داری آماری به‌دست‌آمده، بزرگ‌تر باشد. با این وجود، این آماره، به میزان زیادی نسبت به

^۱maximum likelihood

^۲independence model

^۳preferable value

حجم نمونه، حساس است. بر این اساس، هر مدل قابل قبولی به دلیل توان بیش از حد بالای این روش آزمون آماری، اغلب اوقات، رد می‌شود (میرز، گامست و گوارینو، ۲۰۱۳). بنابراین، موافق با پیشنهاد آماردانان، به منظور اطلاع از برازندگی قابل قبول مدل با داده‌ها، به طور جایگزینی از نسبت $\chi^2/df < 5$ (تیلور و تاد، ۱۹۹۵) یا $\chi^2/df < 3$ استفاده می‌شود (میرز، گامست و گوارینو، ۲۰۱۳). در جدول ۲، با توجه به معنی‌داری آزمون χ^2 ، به منظور اطلاع از برازندگی مدل مفروض با داده‌ها، شاخص‌های نیکویی برازش دیگری واری شدند. با توجه به عدم اجماع نظر آماردانان درباره‌ی اندازه‌های نیکویی برازش ترجیحی (کلاین، ۱۹۹۸؛ هو و بنتلر، ۱۹۹۵؛ میرز، گامست و گوارینو، ۲۰۱۳)، در این پژوهش، همسو با منطق آربوکل و وٹکی (۱۹۹۹) بر اندازه‌های نیکویی برازش مختلف، عبارات خطای باقی‌مانده^۱ و شاخص‌های اصلاح^۲ تأکید شد.

با وجود اطلاع از ساختار چندبُعدی زیربنای مفهومی ابزار سنجش اعتماد، بی‌اعتمادی و ساده‌لوحی معرفتی به‌عنوان یک مدل مفهومی ارجح، اما ضرورت مصاف این منطق مفهومی ترجیح‌داده‌شده، با دیگر مدل‌های رقیب، فرصت مطمئن‌تری برای دفاع از ساختار سه‌بُعدی مفروض برای ابزار، فراهم خواهد کرد. بر این اساس، در ادامه، با هدف آزمون مدل‌های اندازه‌گیری رقیب، ساختار تک‌عاملی ابزار سنجش اعتماد، بی‌اعتمادی و ساده‌لوحی معرفتی، واری شد. در این بخش، نتایج مربوط به شاخص‌های برازش مدل تک‌عاملی برای هر یک از شاخص‌های پیشنهادی میرز، گامست و گوارینو (۲۰۱۳) شامل شاخص مجذور خی (χ^2)، شاخص نسبت مجذور خی بر درجه‌ی آزادی (χ^2/df)، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی (AGFI) و خطای ریشه‌ی مجذور میانگین تقریب (RMSEA) به ترتیب برابر با ۸۴۶/۲۱، ۹/۴۰، ۰/۶۲، ۰/۸۲، ۰/۷۶ و ۰/۱۱ به دست آمد که بر برازش ضعیف مدل با داده‌ها دلالت دارد (جدول ۲).

در نهایت، ساختار چندبُعدی مرتبه اول با شمول سه وجه اعتماد، بی‌اعتمادی و ساده‌لوحی معرفتی، انتخاب و آزمون شد. نتایج مربوط به شاخص‌های برازش مدل تک‌عاملی برای هر یک از شاخص‌های پیشنهادی میرز، گامست و گوارینو (۲۰۱۳) شامل شاخص مجذور خی (χ^2)، شاخص نسبت مجذور خی بر درجه آزادی (χ^2/df)، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی (AGFI) و خطای ریشه مجذور میانگین تقریب

^۱residual error terms

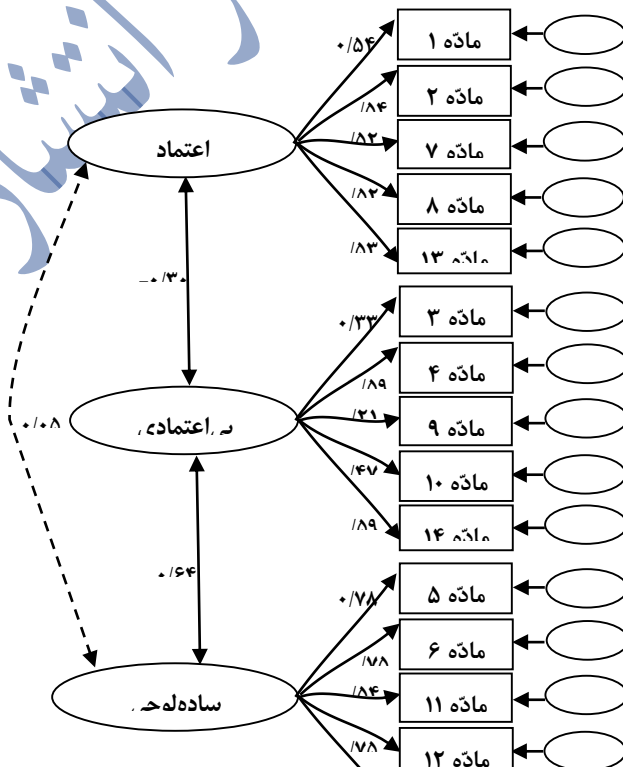
^۲modification indices

(RMSEA) به ترتیب برابر با $۰/۹۰$ ، $۰/۹۴$ ، $۰/۹۲$ و $۰/۶۲$ به دست آمد که بر برازش قابل قبول مدل با داده‌ها دلالت دارد (جدول ۲).

جدول ۲. اندازه‌های نیکویی برازش و مقادیر بارهای عاملی مدل‌های اندازه‌گیری رقیب

مدل‌های رقیب	χ^2	χ^2/df	GFI	AGFI	CFI	RMSEA
مدل استقلال	۲۱۱۶/۰۰۴	۲۰/۱۵	۰/۶۲	۰/۵۶	۰/۱۰	۰/۱۷
مدل تک‌عاملی	۸۴۶/۲۱	۹/۴۰	۰/۸۲	۰/۷۶	۰/۶۲	۰/۱۱
مدل سه‌عاملی مرتبه اول	۳۲۱/۱۰	۳/۶۹	۰/۹۴	۰/۹۲	۰/۹۰	۰/۰۶۲

شکل ۱ نتایج مربوط به وزن‌های رگرسیونی ساختار سه‌عاملی مدل اندازه‌گیری ابزار سنجش اعتماد، بی‌اعتمادی و ساده‌لوحی معرفتی را نشان می‌دهد. نتایج، حاکی از آن است که برای هر سه عامل زیربنایی، جمیع وزن‌های رگرسیونی از لحاظ آماری معنی‌دارند ($P < ۰/۰۰۱$). در شکل ۱ ضرایب رگرسیونی برای عامل اعتماد معرفتی بین $۰/۵۲$ تا $۰/۵۴$ ، ضرایب رگرسیونی برای عامل بی‌اعتمادی معرفتی بین $۰/۲۱$ تا $۰/۵۹$ و ضرایب رگرسیونی برای عامل ساده‌لوحی معرفتی بین $۰/۴۹$ تا $۰/۷۸$ ، به دست آمد. در مطالعه‌ی حاضر، همبستگی بین زوج وجوه اعتماد معرفتی و بی‌اعتمادی معرفتی، منفی و معنی‌دار ($r = -۰/۳۰$ ، $p < ۰/۰۰۱$)، بی‌اعتمادی معرفتی و ساده‌لوحی معرفتی، مثبت و معنی‌دار ($r = ۰/۶۴$ ، $p < ۰/۰۰۱$) و در نهایت، اعتماد معرفتی و ساده‌لوحی معرفتی، مثبت و غیر معنی‌دار بود ($r = ۰/۰۵$ ، $p > ۰/۰۵$).



شکل ۱. تحلیل تأییدی ساختار سه‌عاملی مرتبه اول پرسشنامه ETMCQ در این بخش، با هدف اطلاع از مشخصه‌های فنی ETMCQ با اخذ رویکردی جزئی‌نگر و معطوف بر هر یک از ماده‌ها، ضریب همبستگی هر ماده با نمره‌ی کل و ضریب همسانی با فرض حذف هر ماده، برای ساختار سه‌عاملی مرتبه اول، گزارش شد (جدول ۳).

جدول ۳. مقادیر آلفای کرونباخ، همبستگی هر گویه با نمره‌ی کل و مقدار آلفای کرونباخ با فرض حذف گویه برای مدل سه‌عاملی مرتبه‌ی اول

ماده‌ها	Corrected Item-Total Correlation	Cronbach's Alpha if Item Deleted
عامل اول: اعتماد معرفتی $\alpha = 0/66$		
۱	وقتی یک مشکل شخصی دارم، معمولاً از دیگران درخواست مشورت می‌کنم.	۰/۴۱
۲	وقتی اطلاعات توسط کسی که من را به خوبی می‌شناسد ارائه می‌شود، راحت‌تر اعتماد می‌کنم و آن اطلاعات را می‌پذیرم.	۰/۴۳
۷	گاهی اوقات، گفت‌وگو با کسانی که خیلی وقت است مرا می‌شناسند، به من کمک می‌کند تا دید جدیدی نسبت به خودم پیدا کنم.	۰/۴۰
۸	آنچه را دیگران درباره‌ی تجربیات‌شان به من می‌گویند، برای یادگیری، بسیار مفید می‌دانم.	۰/۴۱
۱۳	وقتی نمی‌دانم چه کار کنم، اولین چیزی که به ذهنم می‌آید پرسیدن از کسی است که نظرش برایم ارزشمند است.	۰/۴۴
عامل دوم: بی‌اعتمادی معرفتی		
$\alpha = 0/56$		

۰/۵۲	۰/۳۰	ترجیح می‌دهم به جای این که از دیگران درخواست اطلاعات کنم، خودم در اینترنت، اطلاعات را پیدا کنم.	۳
۰/۴۵	۰/۴۱	اغلب احساس می‌کنم دیگران خواسته‌ها و نیازهای من را درک نمی‌کنند.	۴
۰/۵۰	۰/۳۵	اگر بیش از حد به آنچه دیگران می‌گویند اعتماد کنی، احتمالاً آسیب می‌بینی.	۹
۰/۴۹	۰/۳۵	وقتی کسی چیزی به من می‌گوید اولین واکنشم تعجب از این است که «چرا دارد این موضوع را به من می‌گوید؟».	۱۰
۰/۵۲	۰/۳۰	معمولاً طبق مشورتی که از دیگران می‌گیرم عمل نمی‌کنم حتی زمانی که حرف آن‌ها به نظرم احتمالاً درست باشد.	۱۴

عامل سوم: ساده‌لوحی معرفتی

$$\alpha = 0/79$$

۰/۷۲	۰/۶۵	اغلب ساده‌لوح به نظر می‌رسم چون تقریباً هر چیزی که دیگران می‌گویند را باور می‌کنم.	۵
۰/۷۴	۰/۶۰	وقتی با افراد مختلف صحبت می‌کنم به سادگی با حرف‌هایشان قانع می‌شوم، حتی اگر حرف‌های آن‌ها با باورهای قبلی من متفاوت باشد.	۶
۰/۷۷	۰/۴۹	خیلی وقت‌ها از آدم‌های اشتباه، مشورت گرفته‌ام.	۱۱
۰/۷۲	۰/۶۷	مردم به من گفته‌اند که خیلی راحت، تحت تأثیر دیگران قرار می‌گیرم.	۱۲
۰/۷۸	۰/۴۵	در گذشته، درباره‌ی این که چه کسی را باور کنم اشتباه قضاوت کرده‌ام و مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌ام.	۱۵

روایی ملاکی

در این بخش، به منظور تعیین روایی ملاکی ابزار، موافق با پیشینه‌ی نظری و تجربی، پراکندگی مشترک (همبستگی) بین انواع مواضع معرفتی شامل اعتماد معرفتی، بی‌اعتمادی معرفتی و ساده‌لوحی معرفتی با ابعاد مختلف دلبستگی شامل دلبستگی اجتنابی و دلبستگی اضطرابی، وجوه مختلف ذهنی‌سازی شامل ذهنی‌سازی معطوف به خود، ذهنی‌سازی معطوف به دیگری و انگیزه‌ی ذهنی‌سازی، ابعاد مختلف سازمان شخصیت شامل دفاع‌های روان‌شناختی بدوی، پراکندگی هویت و واقعیت‌آزمایی، و مؤلفه‌های ترومای دوران کودکی شامل سوءاستفاده‌ی

عاطفی، سوءاستفاده‌ی جسمانی، سوءاستفاده‌ی جنسی، غفلت عاطفی و غفلت جسمانی، محاسبه شد. نتایج حاصله، شواهد متقنی در دفاع از روایی ملاکی ابزار فراهم آورد (جدول ۴).

جدول ۴. همبستگی وجوه اعتماد، بی‌اعتمادی و ساده‌لوحی معرفتی با ابعاد مختلف دل‌بستگی، ذهنی‌سازی، سازمان شخصیت و ترومای دوران کودکی

اعتماد معرفتی	بی‌اعتمادی معرفتی	ساده‌لوحی معرفتی	
۰/۲۰**	۰/۲۳**	۰/۲۶**	دل‌بستگی اجتنابی
۰/۰۷	۰/۲۶**	۰/۴۲**	دل‌بستگی اضطرابی
۰/۱۴**	۰/۵۰**	۰/۵۰**	ذهنی‌سازی معطوف به خود
۰/۳۸**	۰/۰۵	۰/۲۰**	ذهنی‌سازی معطوف به دیگری
۰/۴۳**	۰/۱۲*	۰/۱۰*	انگیزه‌ی ذهنی‌سازی
۰/۱۳*	۰/۰۶	۰/۱۹**	دفاع‌های روان‌شناختی بدوی
۰/۴۷**	۰/۴۰**	۰/۴۳**	پراکندگی هویت
۰/۶۰**	۰/۵۳**	۰/۴۰**	واقعیت‌آزمایی
۰/۱۶**	۰/۱۹**	۰/۲۷**	سوءاستفاده‌ی عاطفی
۰/۱۹**	۰/۱۳*	۰/۱۵**	سوءاستفاده‌ی جسمانی
۰/۱۴**	۰/۱۰*	۰/۱۵**	سوءاستفاده‌ی جنسی
۰/۱۶**	۰/۱۸**	۰/۲۷**	غفلت عاطفی
۰/۲۳**	۰/۱۹**	۰/۲۶**	غفلت جسمانی

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه اعتماد، بی‌اعتمادی و ساده‌لوحی معرفتی (ETMCQ) در جامعه ایرانی بود. تحلیل عاملی نسخه فارسی پرسشنامه در وهله‌ی نخست، ساختار سه‌عاملی مطرح‌شده در مدل پیشنهادی کمپیل و همکاران (۲۰۲۱) را منعکس نمود. مطابق با نسخه انگلیسی، اولین مؤلفه‌ی مستخرج از این پرسشنامه، اعتماد معرفتی بود که سؤالات ۱، ۲، ۷، ۸ و ۱۳ را به خود اختصاص داده است. این سازه، توانایی افراد برای در نظر گرفتن دانش منتقل‌شده از سوی دیگران به‌عنوان داده‌ای مطمئن، مرتبط و قابل تعمیم را نشان می‌دهد. مؤلفه‌ی دوم، بی‌اعتمادی معرفتی بود که شامل سؤالات ۳، ۴، ۹، ۱۰ و ۱۴ می‌شود و بیانگر شک و سوءظن فرد در مقابل اطلاعات ارسال‌شده از سوی دیگران است. سومین عامل نیز که حاکی از پذیرش بی‌چون و چرای اطلاعات می‌باشد و سؤالات ۵، ۶، ۱۱، ۱۲ و ۱۵ را در بر می‌گیرد، ساده‌لوحی معرفتی نام دارد.

البته باید توجه داشت که این سه بُعد ممکن است با یکدیگر همپوشانی داشته باشند. به طور مثال، تحقیقات و تجربیات بالینی، وجود همزمان بی‌اعتمادی و ساده‌لوحی معرفتی در اختلال شخصیت ضداجتماعی^۱، اختلال شخصیت مرزی^۲ و اختلال شخصیت پارانوئید^۳ را تأیید می‌کنند (اورمه و همکاران، ۲۰۱۹؛ بیتمن و همکاران، ۲۰۱۸؛ کمپبل و همکاران، ۲۰۲۱)؛ زیرا بی‌ثباتی موجود در اختلالات شخصیت، فرد را از نقطه‌ی تعادل اعتماد، خارج کرده و به سوی افراط و تفریط در پذیرش اطلاعات، سوق می‌دهد. رفتارهای دوسوگرایانه‌ی افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی را می‌توان مصادق بارز این موضوع به حساب آورد.

همان‌طور که سوگیری منفی در پردازش اطلاعات، موجب بی‌اعتمادی معرفتی می‌شود، سوگیری مثبت و بی‌قاعده نیز به زودباوری بیش از حد یا ساده‌لوحی معرفتی، منتهی می‌گردد. چنین موضعی حاکی از عدم شفافیت ذهنی و آسیب‌پذیری فرد در برابر خطرات بالقوه‌ی اجتماعی است؛ زیرا وقتی دیدگاه روشنی در مورد خود نداشته باشیم، ممکن است توصیفات و توصیه‌های دیگران را بدون در نظر گرفتن شواهد کافی، مطابق با واقعیت انگاشته و بر مبنای آن‌ها عمل نماییم (فوناگی، ۲۰۱۸).

در تأیید این فرضیه، پژوهش تانزر و همکاران (۲۰۲۱) بیانگر آن است که ساده‌لوحی معرفتی با ناتوانی در تشخیص اخبار جعلی از اخبار واقعی و نیز توهم توطئه‌در بزرگسالان، ارتباط دارد. شاید در نگاه اول به نظر برسد که توهم توطئه مختص به موضع بی‌اعتمادی معرفتی است اما باید دقت کرد که افراد مبتلا به ساده‌لوحی معرفتی نیز به دلیل عدم برخورداری از تفکر انتقادی و قوه‌ی قضاوت مناسب، ادعاهای گزافی که آشکارا خلاف واقع هستند را به سادگی باور می‌کنند. در تحلیل عاملی نسخه‌ی ترجمه‌شده به فارسی، هیچ‌یک از گویه‌ها حذف نشد. این در حالی است که در پژوهش لیوتی و همکاران (۲۰۲۳) که با هدف بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی ETMCQ روی نمونه‌ی ایتالیایی انجام گرفت، گویه‌ی شماره‌ی ۱۱ (خیلی وقت‌ها از آدم‌های اشتباه، مشورت گرفته‌ام) به دلیل بار عاملی شدیداً بالا در هر دو عامل بی‌اعتمادی و ساده‌لوحی، نامناسب تشخیص داده شد و گویه‌ی شماره‌ی ۱۵ (در گذشته، درباره‌ی این که چه کسی را باور

^۱antisocial personality disorder

^۲borderline personality disorder

^۳paranoid personality disorder

^۴conspiracy thinking

کنم اشتباه قضاوت کرده‌ام و مورد سوء استفاده قرار گرفته‌ام) به جای مؤلفه‌ی ساده‌لوحی، روی عامل بی‌اعتمادی، بار گرفت. نکته‌ی شایان توجه این است که چون در هر دو گویه، افعال ماضی به کار رفته، ممکن است به جای موضع کنونی فرد، خاطرات گذشته‌ی او سنجیده شود. در نتیجه، فردی که از اعتماد گذشته‌ی خود، ضربه خورده و اکنون دچار بی‌اعتمادی معرفتی است، به اشتباه در عامل ساده‌لوحی معرفتی، نمره می‌گیرد. لذا مطالعات بعدی باید تأمل بیشتری در خصوص امکان جابجایی افراد در میان مواضع معرفتی و عوامل مؤثر بر این جابجایی، انجام بدهند. همچنین در مطالعه‌ی حاضر، همبستگی بین اعتماد معرفتی و بی‌اعتمادی معرفتی، منفی و معنی‌دار، بی‌اعتمادی معرفتی و ساده‌لوحی معرفتی، مثبت و معنی‌دار و در نهایت، اعتماد معرفتی و ساده‌لوحی معرفتی، مثبت و غیر معنی‌دار بود که به جز مورد آخر، سایر موارد با نسخه‌ی انگلیسی مطابقت دارند. در حالی که در نسخه‌ی ایتالیایی، همبستگی معنی‌داری میان هیچیک از سه عامل مذکور، یافت نشد (لیوتی و همکاران، ۲۰۲۳). ممکن است این اختلاف در یافته‌ها ناشی از تفاوت‌های زبانی و فرهنگی نمونه‌ها باشد که طبیعتاً نیازمند بررسی بیشتر است.

پایایی پژوهی این پرسشنامه بر مبنای ضریب آلفای کرونباخ صورت گرفت و نتایج آن که به‌طور مشروح در بخش یافته‌ها ذکر گردید، نشان داد که ETMCQ از همسانی درونی قابل قبولی برخوردار است. همچنین، ماهیت چندبعدی این ابزار، اقتضا داشت که روایی همگرا و واگرای آن به دقت با سازه‌های مرتبط، مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا، بررسی ما مطابق با بنیادهای نظری بحث حاضر، نشان داد که اعتماد معرفتی با دلبستگی ناایمن، ذهنی‌سازی نامطلوب، تروماهای تحولی و سازمان‌های آسیب‌دیده‌ی شخصیت، رابطه‌ی منفی و مستقیم دارد. در حالی که رابطه‌ی بی‌اعتمادی و ساده‌لوحی معرفتی با متغیرهای مذکور، مثبت و مستقیم بود. این همبستگی‌های معنی‌دار، پژوهش‌های نظری و تجربی پیشین در خصوص رابطه‌ی اختلالات معرفتی با آسیب‌های روانی را تأیید می‌کند (فوناگی، لویتن و آلیسون، ۲۰۱۵؛ لویتن و همکاران، ۲۰۲۰؛ کمپبل و همکاران، ۲۰۲۱؛ لیوتی و همکاران، ۲۰۲۳).

همسویی یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعه‌ی کمپبل و همکاران (۲۰۲۱) درباره‌ی روایی عاملی این مقیاس، نشان می‌دهد که زیربنای نظری ETMCQ و مفهوم‌پردازی خاصی که از اعتماد معرفتی و مفاهیم متضاد با آن ارائه شده، از قابلیت خوبی برای تعمیم به جامعه‌ی ایرانی برخوردار است. از این‌رو، پژوهشگران و درمانگران می‌توانند از سودمندی‌های علمی و عملی این ابزار در محیط‌های دانشگاهی و درمانی، بهره‌مند شوند. این سودمندی‌ها از یک‌سو به نقش اعتماد معرفتی در سه حوزه‌ی پیشگیری، تبیین و درمان اختلالات روانی و از سوی دیگر به ارتباط این سازه با پویایی‌های فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و سیاسی مربوط می‌شود (امینی، ۱۴۰۱).

نخستین و مهمترین محدودیت پژوهش حاضر، پیچیدگی ذاتی مفهوم اعتماد معرفتی و دشواری استنباط آن با تکیه بر ابزارهای خودگزارش‌دهی بوده است. همچنین پایایی آزمون-بازآزمون و دخالت ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در یافته‌های به‌دست‌آمده در این مطالعه مورد بررسی قرار نگرفته است. به‌طور مثال تعداد شرکت‌کنندگان زن در تحقیق حاضر، سه‌برابر شرکت‌کنندگان مرد بوده که این موضوع ممکن است نتایج را تحت تأثیر قرار داده باشد. لذا مطالعات آینده باید پایایی ETMCQ را در زمان‌ها و گروه‌های جمعیتی مختلف، با دقت بیشتری اندازه‌گیری نمایند. در پایان، باید اذعان نمود که سنجش اعتماد معرفتی، هنوز در ابتدای راه خود قرار داد و توسعه و ارتقای آن، تلاش‌های بیشتر و گسترده‌تری را می‌طلبد.

موازن اخلاقی

این پژوهش به صورت اینترنتی انجام گرفت و ملاحظات اخلاقی مربوط به آگاه‌سازی شرکت‌کنندگان در مورد هدف پژوهش، مشارکت اختیاری و حفظ محرمانگی اطلاعات به طور کامل مراعات گردید.

مشارکت نویسندگان

پژوهش حاضر، بخشی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مصطفی امینی است که با کد ۱۶۸۲۰۴۴ در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۰ در دانشگاه شهید بهشتی به تصویب رسیده است. نویسنده اول در طراحی و مفهوم‌پردازی، جمع‌آوری و تحلیل و تبیین داده‌ها و نگارش، نویسندگان دوم و سوم در مفهوم‌پردازی، نظارت و ویرایش، و نویسندگان چهارم و پنجم نیز در تحلیل و تبیین داده‌ها و ویرایش اثر، مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

این مقاله، حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

سپاسگزاری

از اساتید ارجمند، داوران گرامی و مشارکت‌کنندگان محترمی که انجام این پژوهش بدون یاری آن‌ها میسر نبود، صمیمانه قدردانی می‌شود.

References

- Ale Behbahani, Marjan., Mohammadi, Nourollah. (2007). Examining the psychometric properties of the Kernberg's the Inventory of personality organization. *Psychology*, No. 42, 197-185. [[link](#)]
- Allen, J. G. (2018). *Mentalizing in the development and treatment of attachment trauma*. Routledge. [[link](#)]
- Amini, Mostafa. (2022). *The mediating role of epistemic trust in the relationship between attachment and mentalization with personality organization in adults*. Master's thesis, field of clinical psychology, Shahid Beheshti University, Faculty of Educational Sciences and Psychology. [[link](#)]
- Bateman, A., Campbell, C., Luyten, P., & Fonagy, P. (2018). A mentalization-based approach to common factors in the treatment of borderline personality disorder. *Current opinion in psychology*, 21, 44-49. [[link](#)]
- Bernstein, D. P., Stein, J. A., Newcomb, M. D., Walker, E., Pogge, D., Ahluvalia, T., & Zule, W. (2003). Development and validation of a brief screening version of the Childhood Trauma Questionnaire. *Child abuse & neglect*, 27(2), 169-190. [[link](#)]
- Brennan, K. A., Clark, C. L., & Shaver, P. R. (1998). Self-report measurement of adult attachment: An integrative overview. *Attachment theory and close relationships*, 46, 76. [[link](#)]
- Butters, J. L. (2016). *Learning to Trust, trusting to Treat: Epistemic Trust and Significant Learning Moments for Psychotherapy Trainees in their Own Therapy* (Doctoral dissertation, Macquarie University, Faculty of Human Sciences, Department of Psychology). [[link](#)]
- Campbell, C., Tanzer, M., Saunders, R., Booker, T., Allison, E., Li, E., ... & Fonagy, P. (2021). Development and validation of a self-report measure of epistemic trust. *PloS one*, 16(4), e0250264. [[link](#)]
- Corriveau, K. H., Harris, P. L., Meins, E., Fernyhough, C., Arnott, B., Elliott, L., ... & De Rosnay, M. (2009). Young children's trust in their mother's claims: Longitudinal links with attachment security in infancy. *Child development*, 80(3), 750-761. [[link](#)]
- Csibra, G., & Gergely, G. (2009). Natural pedagogy. *Trends in cognitive sciences*, 13(4), 148-153. [[link](#)]
- Dimitrijević, A., Hanak, N., Altaras Dimitrijević, A., & Jolić Marjanović, Z. (2018). The Mentalization Scale (MentS): A self-report measure for the

- assessment of mentalizing capacity. *Journal of personality assessment*, 100(3), 268-280. [[link](#)]
- Ebrahimi, H., Dejkam, M., Seghatoleslam, T. (2014). Childhood Traumas and Suicide Attempt in adulthood. *IJPCP* 2014; 19 (4) :275-282. [[link](#)]
- Egyed, K., Király, I., & Gergely, G. (2013). Communicating shared knowledge in infancy. *Psychological science*, 24(7), 1348-1353. [[link](#)]
- Fonagy, P. (2018). Epistemic Trust and Epistemic Injustice, Trying to Understand The Way Psychological Therapies Work For Persistent Mental Health Problems. [[link](#)]
- Fonagy, P., & Allison, E. (2014). The role of mentalizing and epistemic trust in the therapeutic relationship. *Psychotherapy*, 51(3), 372. [[link](#)]
- Fonagy, P., Luyten, P., & Allison, E. (2015). Epistemic petrification and the restoration of epistemic trust: A new conceptualization of borderline personality disorder and its psychosocial treatment. *Journal of personality disorders*, 29(5), 575-609. [[link](#)]
- Fonagy, P., Luyten, P., Allison, E., & Campbell, C. (2017). What we have changed our minds about: Part 2. Borderline personality disorder, epistemic trust and the developmental significance of social communication. *Borderline personality disorder and emotion dysregulation*, 4(1), 1-12. [[link](#)]
- Fonagy, P., Luyten, P., Campbell, C., & Allison, L. (2019). Epistemic trust, psychopathology and the great psychotherapy debate. *Society for the Advancement of Psychotherapy*. [[link](#)]
- Kamplung, H., Kruse, J., Lampe, A., Nolte, T., Hettich, N., Brähler, E., ... & Riedl, D. (2022). Epistemic trust and personality functioning mediate the association between adverse childhood experiences and posttraumatic stress disorder and complex posttraumatic stress disorder in adulthood. *Frontiers in Psychiatry*, 13. [[link](#)]
- Kernberg, O. F., & Clarkin, J. F. (1995). The inventory of personality organization. *White Plains, NY: The New York Hospital-Cornell Medical Center*. [[link](#)]
- Lenzenweger, M. F., Clarkin, J. F., Kernberg, O. F., & Foelsch, P. A. (2001). The inventory of personality organization: psychometric properties, factorial composition, and criterion relations with affect, aggressive dyscontrol, psychosis proneness, and self-domains in a nonclinical sample. *Psychological assessment*, 13(4), 577. [[link](#)]

- Liotti, M., Milesi, A., Spitoni, G. F., Tanzilli, A., Speranza, A. M., Parolin, L., ... & Giovanardi, G. (2023). Unpacking trust: The Italian validation of the epistemic trust, mistrust, and credulity questionnaire (ETMCQ). *Plos one*, 18(1), e0280328. [[link](#)]
- McCraw, B. W. (2015). The nature of epistemic trust. *Social epistemology*, 29(4), 413-430. [[link](#)]
- Orme, W., Bowersox, L., Vanwoerden, S., Fonagy, P., & Sharp, C. (2019). The relation between epistemic trust and borderline pathology in an adolescent inpatient sample. *Borderline personality disorder and emotion dysregulation*, 6(1), 1-9. [[link](#)]
- Panaghi, L., Maleki, G., Zabihzadeh, A., Poshtmashhadi, M., Soltaninezhad, Z. (2014). Validity, Reliability, and Factor Analysis of Experiences in Close Relationship (ECR) Scale. *IJPCP* 2014; 19 (4) :305-313. [[link](#)]
- Safari Mousavi, S. S., Sadeghi, M., & Sepahvandi, M. A. (2020). The Factor Structure and Psychometric Properties of Mentalization Questionnaire: A Self-Report Measure for the Assessment of Mentalizing Capacity. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences*, 10(1), 123-134. doi: 10.22108/cbs.2021.127401.1492. [[link](#)]
- Schröder-Pfeifer, P., Georg, A. K., Talia, A., Volkert, J., Ditzen, B., & Taubner, S. (2022). The Epistemic Trust Assessment—An experimental measure of epistemic trust. *Psychoanalytic Psychology*, 39(1), 50. [[link](#)]
- Schroder-Pfeifer, P., Talia, A., Volkert, J., & Taubner, S. (2018). Developing an assessment of epistemic trust: a research protocol. *Research in Psychotherapy: Psychopathology, Process, and Outcome*, 21(3). [[link](#)]
- Sperber, D., & Wilson, D. (1995). *Relevance: Communication and cognition*. Malden, MA: Blackwell. [[link](#)]
- Sperber, D., Clément, F., Heintz, C., Mascaro, O., Mercier, H., Origgi, G., & Wilson, D. (2010). Epistemic vigilance. *Mind & Language*, 25(4), 359-393. [[link](#)]
- Talia, A., Duschinsky, R., Mazzarella, D., Hauschild, S., & Taubner, S. (2021). Epistemic Trust and the Emergence of Conduct Problems: Aggression in the Service of Communication. [[link](#)]
- Tanzer, M., Campbell, C., Saunders, R., Luyten, P., Booker, T., & Fonagy, P. (2021). Acquiring knowledge: Epistemic trust in the age of fake news. [[link](#)]

Thomas, N., & Jenkins, H. (2019). The journey from epistemic vigilance to epistemic trust: service-users experiences of a community mentalization-based treatment programme for Anti-Social personality disorder (ASPD). *The Journal of Forensic Psychiatry & Psychology*, 30(6), 909-938. [[link](#)]

Wickham, A. L. (2019). *The Role of Epistemic Trust in the Treatment of Major Depressive Disorder* (Doctoral dissertation, UCL (University College London)). [[link](#)]

پیوست

پرسشنامه اعتماد، بی‌اعتمادی و ساده‌لوحی معرفتی (ETMCQ)

لطفاً هر عبارت را با دقت بخوانید و بر اساس این که هر کدام چقدر با تجربیات شما همخوانی دارد گزینه مناسب را انتخاب کنید.

کاملاً مخالف	مخالف	کمی مخالف	کمی موافق	کاملاً موافق

						۷. گاهی اوقات، گفت‌وگو با کسانی که خیلی وقت است مرا می‌شناسند، به من کمک می‌کند تا دید جدیدی نسبت به خودم پیدا کنم.
						۸. آنچه را دیگران درباره‌ی تجربیاتشان به من می‌گویند، برای یادگیری، بسیار مفید می‌دانم.
						۹. اگر بیش از حد به آنچه دیگران می‌گویند اعتماد کنی، احتمالاً آسیب می‌بینی.
						۱۰. وقتی کسی چیزی به من می‌گوید اولین واکنشم تعجب از این است که «چرا دارد این موضوع را به من می‌گوید؟».
						۱۱. خیلی وقت‌ها از آدم‌های اشتباه، مشورت گرفته‌ام.
						۱۲. مردم به من گفته‌اند که خیلی راحت، تحت تأثیر دیگران قرار می‌گیرم.
						۱۳. وقتی نمی‌دانم چه کار کنم، اولین چیزی که به ذهنم می‌آید پرسیدن از کسی است که نظرش برایم ارزشمند است.
						۱۴. معمولاً طبق مشورتی که از دیگران می‌گیرم عمل نمی‌کنم حتی زمانی که حرف آن‌ها به نظرم احتمالاً درست باشد.
						۱۵. در گذشته، درباره‌ی این‌که چه کسی را باور کنم اشتباه قضاوت کرده‌ام و مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌ام.
